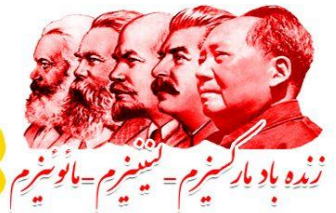




حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



ششم جدی:

بیان گر جنایات سوسیال امپریالیزم.

درس‌های از یک فاجعه تاریخی و ضرورت انقلاب دموکراتیک نوین!

ششم جدی ۱۳۵۸ نه یک رویداد تصادفی در تاریخ افغانستان، بلکه تجلی عینی تضاد اساسی جامعه ما در مرحله معین تاریخی آن بود: تضاد میان توده‌های تحت ستم افغانستان از یک سو، امپریالیزم و سوسیال امپریالیزم شوروی به همراه نیروهای وابسته ارتجاع داخلی از سوی دیگر. تجاوز نظامی ارتش "شوروی"، پرده از ماهیت واقعی قدرتی برداشت که به نام سوسیالیزم، اما در عمل در خدمت توسعه طلبی و سلطه‌گری امپریالیستی قرار داشت.

"شوروی" پس از استالین نه یک دولت سوسیالیستی، بلکه یک ابر قدرت سوسیال امپریالیستی گردید: سوسیالیزم در شعار و امپریالیزم در کردار. ششم جدی، لحظه‌ای بود که این حقیقت را برای مردم افغانستان با تانک و توپ، ددمنشی و تجاوز عریان و اشغال و تحمیل یک دولت دست‌نشانده آشکار نمود.

رژیم دست‌نشانده و مزدور باند حزب دموکراتیک خلق افغانستان، که خود محصول کودتای نظامی و نه جنبش توده‌ای بود، نه توانست و نه می‌توانست به نیروی مستقل کارگران و دهقانان تکیه کند. این حزب، با نادیده گرفتن شرایط عینی جامعه نیمه‌فئودالی و نیمه‌مستعمراتی افغانستان، کوشید تغییرات اجتماعی را از بالا و با اتکای کامل به قدرت خارجی پیش ببرد. از منظر مائوئیستی، چنین روی‌کردی نه تنها انقلابی نیست، بلکه ضدانقلابی است؛ زیرا انقلاب واقعی تنها می‌تواند از دل توده‌ها و از طریق بسیج آگاهانه آنان شکل گیرد، نه با سر نیزه ارتش بیگانه.

صدر مائوتسه دون، در تحلیل جوامع تحت ستم تأکید می‌کند که مسأله مرکزی این کشورها، نه گذار مستقیم به سوسیالیزم، بلکه انجام انقلاب دموکراتیک نوین است؛ انقلابی که هم‌زمان وظایف ضد امپریالیستی، ضد فئودالی و ضد استبدادی را پیش می‌برد. فاجعه ششم جدی نشان داد که در غیاب چنین انقلابی، هر نیرویی که به نام «سوسیالیزم» و یا هر نام دیگری، بدون در نظر داشت حل تضادهای اساسی جامعه از طریق انقلاب قهری عمل کند، نهایتاً به ابزار سلطه خارجی بدل می‌شود.

جنگی که پس از ششم جدی شعله‌ور شد، بیان مقاومت دلیرانه مردم افغانستان علیه اشغال‌گران سوسیال امپریالیزم و رژیم دست‌نشانده شان بود؛ اما رهبری این مقاومت به سرعت توسط نیروهای ارتجاعی، فئودالی و بنیادگرا، و با حمایت امپریالیزم آمریکا، دولت پاکستان و متحدان منطقه‌ای‌شان، غصب گردید. بدین سان، تضاد اساسی مردم با امپریالیزم، در چارچوبی ارتجاعی منحرف گردید و توده‌ها میان دو بلوک دشمن گرفتار شدند: بلوک سوسیال امپریالیزم شوروی و بلوک امپریالیزم غرب.

از دیدگاه مائوئیستی، این بن‌بست تاریخی نتیجه فقدان یک حزب پیشاهنگ پرولتری با خط مائوئیستی بود؛ عدم چنین حزب و خطی سبب گردید که هیچ یک از سازمان‌های "چپ" نتوانند به صورت درست تضادها عمده، غیر عمده و وظایف عمده مبارزاتی را تعیین نمایند و مبارزات شان را به صورت درست و اصولی با دشمن غیر عمده در تابعیت از تضاد عمده پیش ببرند. و بدین طریق مبارزات و مقاومت ملی توده‌ها را با مبارزات دموکراتیک پیوند دهند و توده‌ها را در مسیر انقلاب دموکراتیک نوین رهنمون سازند. عدم چنین رهبری بر جنبش مقاومت علیه سوسیال امپریالیزم باعث آن شد که سازمان‌های "چپ" تسلیم طلبی طبقاتی را در قبال احزاب ارتجاعی جهادی پیشه نمایند. همین تسلیم طلبی طبقاتی بود که زمینه تسلیم طلبی ملی را آماده ساخت و بعضی از این سازمان‌های را به تسلیم طلبی طبقاتی واداشت. این وضعیت تأسف بار نتایج شومی را به بار آورد. تشمت، پراکندگی، سرخوردگی، بی‌اعتمادی و بالاخره سکتاریزم را در درون جنبش انقلابی افغانستان دامن زد که جنبش انقلابی کشور تا کنون این بار سنگین را حمل می‌نماید.

آلترناتیو واقعی در برابر اشغالگران سوسیال امپریالیست و امپریالیزم امریکا و متحدین شان و تمام پیامدهای آن، نه انتخاب میان شرق و غرب، و نه توهم به «کمک» قدرت‌های بزرگ است. آلترناتیو، همان است که رفیق مائو بر آن تأکید می‌کرد: «اتکاء به نیروی خلاق توده‌ها، سازمان‌یابی کارگران و دهقانان، ایجاد جبهه متحد انقلابی به رهبری پرولتاریا، و پیش‌برد انقلاب دموکراتیک نوین» به‌مثابه مرحله ضروری رهایی ملی و اجتماعی. تنها از این مسیر است که می‌توان راه را برای گذار واقعی به سوسیالیزم در کشور مستعمره - نیمه فئودال افغانستان هموار ساخت.

ششم جدی برای نیروهای انقلابی افغانستان، صرفاً یادآور یک تجاوز خارجی نیست؛ بلکه درسی عمیق در باب ماهیت امپریالیزم، سوسیال امپریالیزم، و ضرورت خط مارکسیستی - لنینیستی است. این روز ما را فرا می‌خواند تا با تجزیه و تحلیل همه جانبه گذشته، گسست از جنبه‌های منفی و تکامل جنبه‌های مثبت داشته باشیم. این کار ما را قادر می‌سازد تا توده‌ها را برای برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی سازماندهی و رهبری نموده و این مبارزه را تا پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین به پیش ببریم.

ششم جدی. مقاومت دیروز و وظیفه امروز:-

مقاومت مردم افغانستان در برابر تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی، با تمام محدودیت‌ها، انحرافات و هم‌چنین مقاومت ارتجاعی طالبان در برابر اشغال‌گری امپریالیزم امریکا و متحدینش یک حقیقت انکارناپذیر را ثابت ساخت: آن این که توده‌های ستم‌دیده افغانستان هرگز سلطه خارجی را نمی‌پذیرند. این تجاوزات و اشغال‌گری نشان داد که توده‌ها حتی بدون رهبری انقلابی صحیح نیز به میدان می‌آیند و نظام تحمیلی را به چالش می‌کشند.

مائوتسه‌دون هشدار می‌داد که «انگیزه خودبه‌خودی توده‌ها، اگر به آگاهی انقلابی ارتقاء نیابد، می‌تواند به‌سادگی منحرف یا سرکوب شود». تجربه پس از ششم جدی دقیقاً گواه این حقیقت است: مقاومت وسیع و همه‌جانبه خودجوش توده‌ها، به‌دلیل نبود خط مائوئیستی و رهبری انقلابی، به سادگی از مسیر انقلابی منحرف گردید.

امروز که امارت اسلامی افغانستان برای بار دوم توسط باداران امپریالیستی‌شان بر اریکه قدرت تکیه زده‌اند، جامعه ما در زیر بار بیدادگری، فقر، ستم، بی‌حقوقی و سلطه نیروهای ارتجاعی داخلی و فشارهای امپریالیستی فرو برده‌اند. شکل حاکمیت پوشالی تغییر کرده، اما ماهیت آن دگرگون نشده است.

درس ششم جدی برای امروز این است که سکوت، تسلیم، و امید بستن به نیروی خارجی نه تنها راه‌گشا نیست، بلکه ضد انقلابی و در دام وابستگی کامل می‌افتد. همان‌گونه که اشغالگران "شوروی" نتوانستند اراده مردم را خاموش کنند، به همان گونه هیچ شکل دیگری از اشغال‌گری و بیداد نیز قادر به نابودی اراده مردم مبنی بر رهایی از قید اسارت نخواهد بود. وظیفه نیروهای آگاه و انقلابی آن است که اجازه ندهند خشم و نارضایتی توده‌ها بار دیگر به بیراهه کشانده شود.

آموختن از تجارب مثبت و منفی گذشته ما را به این نتیجه رسانده که برای بیرون رفت از این معضل به یک خط مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی نیاز است. امروز این خط توسط حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ارائه گردیده است. وظیفه و رسالت تمام مائوئیست‌های کشور این است که بر محور خط مائوئیستی جمع شوند و علیه هر گونه انحرافات و سکتاریزم به مبارزه برخیزند.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای تحقق این تحول انقلابی از هیچ‌گونه سعی و تلاشی دریغ نخواهد ورزید! و حاضر و آماده است که برای از بین بردن این موانع جلسات رویاروی با تمام نیروهای انقلابی، ملی و دموکرات به منظور رفع اختلافات کوچک و بزرگ برگزار نماید. و از طریق مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی به صورت درونی موانع را بر طرف نماید. امید است که تمامی نیروهای مائوئیست در این مسیر با ما همراه شوند.

انقلاب آینده، اگر قرار است تکرار تراژدی‌های گذشته نباشد، باید از دل همین درس‌ها زاده شود: استقلال کامل از جهان چند قطبی امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی در شرایط کنونی، گسست قاطع از جنبه‌های منفی گذشته و اتکاء به خط مائوئیستی و نیروی

خلاق کارگران و دهقانان، و پیش‌برد آگاهانه انقلاب دموکراتیک نوین تحت رهبری حزب پیشاهنگ پرولتری، تنها از این مسیر است که رنج‌های امروز می‌توانند به نیرویی برای دگرگونی بنیادین فردا بدل شوند.

بناءً وظیفه نیروهای انقلابی و ملی دموکرات نه صرفاً اعتراض، بلکه آماده‌سازی ذهنی، سیاسی و تشکیلاتی توده‌ها برای یک تحول انقلابی نوین است.

ششم جدی برای ما صرفاً یک سالگرد تاریخی نیست؛ هوشداری است زنده، گویا و درس‌آموز. این روز یادآور آن است که بدون استقلال سیاسی، بدون خط انقلابی صحیح و بدون رهبری توده‌ای، هر انقلابی می‌تواند به ضد خود بدل شود. یادآوری ششم جدی، فراخوانی است برای بازاندیشی سیاسی، برای گسست از توهم به قدرت‌های بزرگ، و برای تعهد دوباره به مبارزه ضدامپریالیستی - ارتجاعی و برگزیدن راه رهایی توده‌های ستمدیده افغانستان.

به پیش در راه تدارک برای برپایی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی !

حزب کمونیست (مانوئیست) افغانستان

۶ جدی ۱۴۰۴ (۲۷ دسامبر ۲۰۲۵ میلادی)

www.cmpa.io

sholajawid2@hotmail.com || sholajawid@cmpa.io